

داده کاوی و فراوری «یافته‌ها» در راستای «استنباط نظام‌واره‌های دینی»^۱

ذبیح الله نعیمیان

بخشی از نظریه‌سازی‌های دینی می‌توانند معطوف به استنباط نظام‌واره‌های معرفتی یا عینی دین باشند. استنباط هر نظام‌واره‌ی معرفتی یا عینی دینی نیازمند فرایند خاصی است. امور زیر را می‌توان از مؤلفه‌های مهم و اساسی در فرایند مزبور دانست:

الف. شناسایی «مضامین نظریه‌ساز»؛

ب. داده‌یابی مسئله‌محور در مضامین قرآنی و روایی؛

ج. استنباط «نظام مفاهیم»؛

د. کشف نظام‌واره‌های موضوعی و حکمی؛

ه. فراوری عنوانی مضامین؛

و. تلخیص مضامین مرتبط.

۱. این نوشتار در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۲۶ به دفتر نشریه ارسال شده است.



الف. شناسایی «مضامین نظریه ساز»

شناسایی مضامین می تواند مقدمه ای بر نظریه پردازی نیز باشد و صرفاً در خدمت پژوهش های معمولی نیست. برای تأسیس یک نظریه باید به شناسایی مضامین نظریه ساز و بهره گیری مناسب از آنها برای بررسی ابعاد و عناصر دخیل در آن نظریه پرداخت.

موضوع و مقوله ی محوری در هر نظریه پردازی منظومه ای از مسائل مرتبط را در کنار یکدیگر جمع می کند. از این رو، باید با محوریت دادن به مقوله ی اصلی و موضوعات مربوط به آن مقوله، به شناسایی و گزینش مسائل ناظر به آنها پرداخت. اما پرداختن به موارد بی ارتباط می تواند مانعی در این مسیر تلقی شود.

بدین صورت، در مرحله ی آغازین نظریه پردازی، می بایست نظام موضوعات و عناوین مرتبط با آن موضوع و مسائل ناظر به آنها شناسایی شوند. اما این امر کافی نیست. بلکه، می بایست موارد غیر مرتبط یا کم ارتباط با بحث کنار گذاشته شوند تا تناسب موضوعات و عناوین موضوعی بتواند به نظام بخشی مسائل بینجامد. چنان که باید جایگاه مناسب برای هر یک از آن موضوعات و مسائل مد نظر قرار گیرد. بدین صورت، این امکان فراهم خواهد آمد که از طریق آنها بتوان به شناسایی مضامین مرتبط با هر یک از آن عناصر و موضوعات دخیل در نظام موضوعات مبادرت جست.

به طور نمونه، شناسایی مضامین قرآنی، روایی و فقهی در مسیر نظریه پردازی اهمیت فوق العاده ای دارند. با تمرکز بر مسائل مرتبط با موضوع، می توان مضامینی را که می توانند به منظومه مسائل مورد نظر تعلّق داشته باشند، مورد شناسایی قرار داد. بدین صورت، محور اصلی و موضوعات پیرامونی آن به تعیین قلمرو بحث از داده های فقهی مرتبط کمک می کنند و از این طریق، مضامین و گزاره های مرتبط فراوانی را پیشروی فقه پژوه قرار می دهند که می بایست به جستجو و شناسایی آنها در آیات، روایات و منابع فقهی مبادرت جست.

برای استظهار محتوای مناسب دینی نه تنها می بایست به استظهار مفردات و فهم معناشناسی واژگان پرداخت، باید به بررسی هیئت هر یک از واژگان و نیز هیئت ترکیبی مجموعه کلماتی مبادرت جست که یک جمله و سپس یک بند و پاراگراف را تشکیل می دهند. اما این تلاش کفایت نمی کند. بلکه، باید با شناسایی گزاره های متنوعی که در



کنار یکدیگر یک یا چند مضمون مرتبط را تشکیل می‌دهند، به نگاه مجموعی نسبت به آنها دست یافت.

پس از شناسایی مضامین و محتواهای مرتبط با هر یک از بخش‌های نظریه می‌بایست مبادرت به استنباط‌های استظهاری، تأملات استنباطی و تلاش‌های استکشافی و تأملات استدلال‌آور پرداخت.

ب. داده‌یابی مسئله‌محور در مضامین قرآنی و روایی

اگر آیات و روایات مرتبط یا مضامین فقهی مناسب با مسائل جدید در دسترس فرد قرار نگیرند، طبیعتاً پاسخ‌یابی به آن مسائل و حل آنها با دشواری مواجه خواهد بود. در نتیجه، برای یافتن آیات و روایات مرتبط با بحث می‌بایست از روش‌هایی کارآمد استفاده شود تا فرد بتواند پس از شناسایی آن موارد به استظهار و استدلال‌های دست‌یابد.

بی‌تردید، هر چقدر انس و محقق با آیات و روایات پیشین در منابع پژوهشی پیشین باشد یافتن مناسب برای او آسان خواهد بود. اما این امر باز هم کفایت نخواهد کرد بنابراین باید از طریق روش‌هایی که بتواند فراتر از محتوا و مضامین در اختیار او قرار دهد:

۱. شناسایی کلیدواژگان لفظی: شناسایی آیات و روایات مرتبط با بحث می‌تواند از طریق شناسایی کلید واژه‌ها و واژگان کلید واژه‌های منصوص و مناسب انجام گیرد.
۲. بهره‌گیری از نمایه‌های موضوعی - محتوایی: شناسایی مضامین مرتبط نمی‌تواند صرفاً از طریق کلیدواژگان لفظی انجام گیرد چرا که چرا که بسیاری از مضامین مرتبط حاوی واژگان مرتبط قابل ارتباط مستقیم نیستند. بنابراین نیاز به مراجعه به منابع و مآخذی است که با تکیه بر نمایه‌های موضوعی - محتوایی بازنمای آیات و روایت مرتبط باشند.

بسیاری از مراکز پژوهشی مربوط به قرآن‌پژوهی و نیز مراکز حدیث‌پژوهی تلاش می‌کنند مآخذی حاوی نمایه‌های لفظی و نیز نمایه‌های موضوعی - محتوایی و اصطلاح‌نامه‌های مرتبط را تولید و به پژوهشگران ارائه دهند. چنان‌که، نرم‌افزار مفیدی نیز در این زمینه تولید می‌شود. مراجعه و استفاده حداکثری از آنها می‌تواند به شناسایی



آیات و روایات مرتبط به مباحث فقه پژوهانه کمک فراوانی کند.

نمایه‌های لفظی و غیر محتوایی کمک فراوانی برای شناسایی آیات و روایات مرتبط می‌کنند. اما جامعیتی که می‌بایست در اختیار فقه پژوه قرار گیرد، از طریق آنها تأمین نمی‌شود. اما نمایه‌های موضوعی - محتوایی کمکی بسیار فراتر از نمایه‌های لفظی می‌کنند.

در این میان، مرکز قرآن دفتر تبلیغات اسلامی افزون بر تولید تفسیر راهنما به عنوان تلاشی متکی بر نمایه‌زنی موضوعی - محتوایی به ترتیب نگارش قرآن، مجموعه‌ی دیگری با تکیه بر تهیه نمایه‌های جامع برای تمام موضوعات موجود در تمام آیات قرآنی به نگارش درآورده است. این مجموعه، محدود به نمایه‌های واژگانی نیست. بلکه، عناوینی در این موسوعه مورد نظر قرار گرفته‌اند که به صورت انتزاعی بتوانند همه‌ی مضامین مطابقی، تضمینی و التزامی موجود در آیات و اشارات قرآنی را در اختیار محقق قرار دهند.

بی‌تردید، شناسایی محتوا و مضامین مرتبط با هر یک از پژوهش‌های نوین فقهی نمی‌تواند محدود به این تلاش‌های مفید و راهگشای پژوهش باشد. بلکه هر محقق می‌بایست با توجه به ذهنیت و عقلانیت حاوی اهداف، مبانی و اصول مورد نظر خود به شناسایی موارد مرتبط دست یازد.

در این میان، بهره‌گیری از انواع تلاش‌های اجتهادی و سبک‌های مختلف «اجتهاد استظهاری»، «اجتهاد استدلالی»، «اجتهاد استنباطی» و «اجتهاد اکتشافی» می‌تواند به تولید محتوا کمک کند.

ج. استنباط «نظام مفاهیم»

هر نظام‌واره‌ی معرفتی یا نظام‌واره‌ی عینی با تکیه بر مفاهیمی خاص شناخته می‌شود. اما مفاهیم مزبور هنگامی می‌توانند به نظام‌واره‌های معرفتی یا عینی کمک کنند که از تلائم و تناسب خاصی با یکدیگر برخوردار باشند. به تعبیر دیگر، با تکیه بر مؤلفه‌ی نظام‌وارگی عناصر و مؤلفه‌های مفهومی است که می‌توان به نظام‌واره‌ی معرفتی یا عینی دست یافت. از این رو، بخش مهمی از «فرایند استنباط نظام‌واره‌های معرفتی یا



عینی دینی» از طریق «استنباط مفاهیم» و نظام حاکم بر آنها به دست می‌آید. این امر بدان معناست که می‌بایست مراحل را برای دستیابی به هر نظام‌واره‌ی دینی در جستجوی مفاهیم اختصاصی آن نظام‌واره و نظام حاکم بر آن مفاهیم بود. در این راستا می‌توان برای «استنباط نظام مفاهیم» مراحل زیر را دنبال کرد:

یک. شناسایی و استخراج مفاهیم مرتبط: در این مرحله، احتمالات و فرض‌های مختلف را باید کاوید و یکایک مفاهیمی را شناسایی و استخراج کرد که به صورت احتمالی می‌توانند در نظام‌واره‌ی معرفتی یا عینی دینی نقش‌آفرین باشند و در فهم آموزه‌های دینی سهم دارند.

دو. توصیف معنایی هر یک از مفاهیم مرتبط: هر مفهوم دینی مقصود خاصی را می‌تواند به مخاطب انتقال دهد. این محتوای معنایی در زمینه‌ی زبانی با واژه‌گره خورده و از طریق آن ذهن خواننده و شنونده را به حرکت درمی‌آورد. از این رو، بدون توصیف و تبیین معنایی هر مفهوم نمی‌توان انتظار داشت که نقش آن را در نظام مفاهیم به‌خوبی دریافت.

سه. دسته‌بندی مفاهیم مرتبط: مفاهیم مرتبط با یک نظام‌واره‌ی معرفتی یا عینی دینی بر یک گونه نیستند. بلکه، تنوع فراوانی میان آنها وجود دارد. شناخت مجموعه‌ی مفاهیم و کشف نظام حاکم بر آنها مرهون دسته‌بندی و شناخت گونه‌های مختلف آنهاست.

چهار. سطح‌بندی و طبقه‌بندی مفاهیم: بسیاری از مفاهیم در طول یکدیگرند و برخورد از سطوح و طبقات معنایی‌اند. از این رو، نیاز به سطح‌بندی و طبقه‌بندی مفاهیم مرتبط با یکدیگر اهمیت کلیدی دارد. این کار در صورت‌بندی صحیح از نظام مفاهیم اسلامی به تناسب هر نظام معرفتی یا عینی اهمیت دارد.

پنج. ارتباط‌شناسی و کشف مناسبات مفاهیم: دست‌یابی به نظام حاکم بر مفاهیم متعلق به یک نظام معرفتی یا عینی دینی منوط به این است که ارتباطات و مناسبات حاکم بر آنها شناخته شود. گرچه سطح‌بندی و طبقه‌بندی مفاهیم می‌تواند بخشی از این نیاز را رفع کند. اما نمی‌توان همه‌ی مناسبات و ارتباطات را محدود به این



امر کرد. ازاین‌رو، کشف و استخراج دیگر انواع ارتباطات و مناسبات میان مفاهیم مزبور از اهمیت کلیدی برخوردار است.

شش. تأثیرشناسی و کشف لوازم معنایی و مفهومی: هر مفهومی می‌تواند در درون نظام‌واری معرفتی یا در صورت‌بندی حاکی از نظام‌واری عینی تأثیرات و لوازم خاصی داشته باشد. ازاین‌رو، تلاش برای دست‌یابی به تأثیرات و لوازم هر یک از آنها می‌تواند به کشف و استنباط نظام حاکم بر مفاهیم مربوط به یک نظام‌واری معرفتی یا عینی دینی کمک جدی کند.

د. کشف نظام‌واره‌های موضوعی و حکمی

مشکل عدم دستیابی به ارتباط داده‌ها و پیوند میان آنها از مسائل بسیار مهم است. اگر شناسایی داده‌های مرتبط با بحث را یکی از دشواری‌های فقه پژوهی بدانیم به ناچار می‌بایست به دنبال به کارگیری روش‌های مناسبی باشیم تا به شناسایی و گزینش داده‌های مفید برای حل یک مسئله‌ی فقهی دست یازیم.

یک. شناسایی و پیوندیابی موضوعات و مسائل نظام‌مند: یکی از مسائل مهم که می‌تواند به دشواری شناسایی داده‌های اطلاعاتی و گزاره‌های مناسب بیفزاید این است که بسیاری از مفاهیم و مقوله‌های مرتبط در کنار یکدیگر دیده نشده‌اند و این امکان فراهم نیامده است که نظام مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با یک مقوله صورت‌بندی شود. در نتیجه، برای عبور از این دشواری پژوهشی می‌بایست اصطلاحات، مفاهیم و عناوین موضوعی دارای مناسبات و ارتباطات شناسایی، پیوندیابی و هم‌نشین شوند. چنان‌که، می‌بایست به گزاره‌های حکمی مرتبط با آنها دست یافت و از این طریق به شناسایی مضامین ناظر به حلّ یک مسئله یا حلّ منظومه‌ی مسائل مربوط به یک محور فقه‌پژوه مبادرت جست.

دو. مضمون‌گزینی مسئله‌محور: هر پرسشی برای پاسخ به خود می‌تواند مقدمات خاصی را استخدام کند. اما شناسایی بسیاری از مقدمات مزبور از طریق یافتن منابع و مستندات مرتبط با آنهاست که می‌تواند صورت تحقّق یابد. چنان‌که گاه، بسیاری از این



مقدمات و مستندات در میان مضامینی مورد اشاره قرار گرفته‌اند که ذیل باب، عنوان یا عناوین دیگر بحثی مورد اشاره قرار گرفتند.

در نتیجه، عناوین و محورهایی که در ظاهر ارتباطی با مسئله‌ی مورد پژوهش قرار ندارند، نباید مانع از مراجعه به آن مضامین شوند. این امر بدان معناست که پژوهشگر می‌بایست دست کم از طریق جستجوی الفاظ دخیل یا عناوین موضوعی - محتوایی مرتبط با پژوهش مورد نظر خود، به شناسایی مضامین مرتبط و نیز به شناسایی دیگر عناوین و محورهای مرتبط با بحث خود بپردازد. بدین صورت، محقق می‌بایست به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به شناسایی مضامین حاوی اطلاعات و اشارات مفید برای پژوهش خود بپردازد.

هـ. فرآوری عنوانی مضامین

فرایند داده‌یابی و مضمون‌گزینی می‌بایست برآیند قابل قبولی داشته باشد. این برآیند را می‌توان در به‌دست‌آوردن مباحث مفید و قابل استفاده در قالب مضامین و یافته‌های محتوایی با سطح ارتباط بالا دانست. اما فرایند مزبور می‌بایست از طریق انتزاع و تعیین عنوان‌های کلی و جزئی‌تر تکمیل شود. شناسایی شوند.

در نتیجه، دست‌یابی به مجموعه مضامین بلند و کوتاه از مباحث کاملاً مرتبط است که می‌تواند به صورت جدّی و قابل قبول در خدمت فقه‌پژوه قرار گیرد و فقه‌پژوهی او را ارتقا داده و غنا بخشند.

در این میان، حذف محتواهای کم‌ارتباط یا بی‌ربط می‌تواند به نظام‌بخشی و سرعت فقه‌پژوهی بینجامد. چنان‌که، عناوین و مضامین مرتبط با نظام موضوعات و مسائل مورد تأمل باید به صورت مناسب ضبط، بایگانی و دسته‌بندی شوند تا زمینه‌ی مناسب برای تأمل در آنها ایجاد شود.

و. تلخیص مضامین مرتبط

یکی از راهکارهای مهم برای بهره‌گیری از یافته‌های محتوایی، تلخیص مضامین مهمی است که در فرایند استقرا به دست فقه‌پژوه می‌رسد. تلخیص مضامین مرتبط



می‌بایست از نظم مناسب برخوردار باشد. ضابطه‌ی نظم بخشی به مضامین تلخیص شده تناسب آنها با هدف و مسئله‌ای است که محقق از طریق استظهار از دلالت‌های منطوقی، استنتاج از دلالت‌های التزامی بین و تضمنی، و تأملات استکشافی نسبت به دلالت‌های التزامی غیرین به آنها دست می‌یازد.

در مجموع یکی از دشواری‌های پژوهش شناسایی مضامین و محتواها و داده‌های اطلاعاتی مرتبط با مسئله‌ی مورد نظر است که بخشی از این موارد در نصوص مضامین قرآنی و روایی، و نیز در خلال مضامین و یافته‌های متنوع فقهی و اصولی قابل شناسایی است. اما مهم این است که انبوه یافته‌های فقهی و نصوص دینی با محوریت دادن به غرض پژوهش، مسئله‌ی محوری و شناسایی مسائل فرعی مرتبط با آن مسئله‌ی اصلی از یکدیگر تفکیک شده و امکان بهره‌مندی حداکثری از آنها فراهم آید.